

نرمش قهرمانانه

بررسی انگیزه‌های
صلح امام حسن (ع)

تألیف: تیمور امین ناصری

سرشناسه	: امین ناصری، تیمور، ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور	: بررسی انگیزهای صلح امام حسن (ع).
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات ناد، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۴ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۶۰۰۰۰ ریال: ۹-۷-۹۳۰۴۰-۹۳۰۴۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبای مختصر
یادداشت	: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
یادداشت	: کتابنامه.
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۴۴۶۷۹

شناسنامه

عنوان:	بررسی انگیزهای صلح امام حسن (ع).
مؤلف:	تیمور امین ناصری
ناشر:	نشر ناد
چاپ:	کلک صبا
تلفن توزیع:	۷۷۶۸۰۰۵۶
قیمت:	۶۰۰۰۰ ریال
شمارگان:	۱۰۰۰ جلد
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۹۳۰۴۰-۹-۷
نوبت چاپ:	اول - زمستان ۱۳۹۴
نشانی:	تهران - میدان امام حسین (ع) - جنب بانک ملی - کوچه برخوردار - پلاک ۳ - واحد ۳

تشکر.....

مقدمه.....

فصل اول: زندگینامه امام حسن بن علی (ع).....

فصل دوم: شرایطی که امام را ناچار به صلح کرد.....

مقدمه.....

الف: شرایط سیاسی.....

- شورای اموی.....

- سونگه در مورد نامه معاویه.....

- بهترین سبب امام اندیشید.....

- چگونگی انجام صلح.....

- شرایط صلح.....

ب: شرایط اجتماعی.....

- اوضاع اجتماعی دور امام دوم (ع).....

ج: شرایط جنگی نظامی.....

- ترکیب نظامی سپاه امام.....

- سپاه معاویه.....

- فرمانبرداری سپاه.....

- سادگی و حماقت سپاه.....

- هماهنگی سپاه.....

- اطرافیان فریبکار.....

د: شرایط مذهبی.....

- رغبت به مال دنیا و فراموشی زهد و تقوی.....

- ریشه این انحراف.....

- صلح از دیدگاه قرآن و سنت.....

.....	- سیاست‌های بنی‌امیه
.....	صل سوم: آثار و پیامدهای صلح
.....	مقدمه
.....	(۱) افشای چهره بنی‌امیه
.....	(۲) خطر روم رقی
.....	(۳) خطر حوارج
.....	(۴) زدودن پندار بگانگان از اسلام
.....	(۵) بیداری توده‌ها
.....	(۶) رویارویی شخصیت امام (ع) با معاویه
.....	(۷) احیاء مکتب اسلام
.....	(۸) حفظ شیعه
.....	(۹) زمینه‌سازی قیام عاشورا و تربیت عاشورائیان
.....	حسن ختام
.....	مناجات امام (ع)
.....	کتابنامه

از آفرینش آدم ابوالبشر تاکنون کینه‌توزی‌های زیادی در میان اقوام و ملل مختلف به وقوع پیوسته. از این کینه‌ها، جنگ‌ها و خونریزی‌ها پیاپی خواسته و گاه نیز نسل‌ها در این آتش خون‌ریزی در صحنه‌های روزگار محو گشته‌اند. این فتنه‌ها از زمان هابیل و قابیل آغاز و از آنجا با ادامه جهالت بشری، همچنان باقی مانده است و می‌شود گفت تا انسان و دنیای انسانی بدنی باشد، همچنان باقی خواهند ماند. برای کنگاش در این پدیده، تاریخ کمک فراوانی به ما می‌دهد. اگر در لابه‌لای تاریخ محققانه و به دور از غرض‌ورزی و تعصب جاهلی تفحص شویم، می‌توان علت این ضدیت‌ها را به وضوح مشاهده کرد.

در جریان تاریخ از هابیل تا به امروز می‌توان دو خط در مقابل همدیگر به صف‌آرایی پرداخته‌اند. یکی خط باطل با توجه به خصلت بیان شده در قرآن: «ظُلُومًا جَهْلُومًا»، «خَلِقَ هَلُوعًا»، و «كَانَ الْإِنْسَانُ قَثُورًا» و دیگری خط حق و حقیقت با توجه به خصلت‌های بیان شده قرآنی: «جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلْقًا»، «عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ»، «خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ».

... آری، پلیدی و جنایت‌پیشگی سراسر وجود دودمان بنی‌اسرائیل را گرفته، چرا که در آغاز نهضت اسلامی رسول خدا (ص) سران این زشتی و پلیدی «ابو جهل، ابولهب و ابوسفیان» دم از مخالفت و سرکوب دین محمدی (ص) زدند و ابوسفیان به عنوان سرسلسله دودمان بنی‌امیه فرزندی را تحویل جامعه آن روز داد به نام معاویه.

فرزند خلف ابوسفیان پس از رسیدن به حکمرانی شام توسط خلیفه ثانی، بنای مخالفت را با خاندان رسالت گذارد و همین مخالفت باعث جنگ صفین بین آن نابکار و

۱. احزاب / ۷۲.

۲. معارج / ۱۹.

۳. اسراء / ۱۰۰.

۴. بقره / ۳۰.

۵. بقره / ۶۱.

۶. آل‌عمران / ۶۰.

آئینه تمام نمای حق و عدالت علی بن ابیطالب (ع) گشت.

همین معاویه که به عنوان مظهر فساد و تباهی پس از جنگ صفین نیز جنایات زیادی را مرتکب شد، بعد از به دست گیری خلافت توسط فرزند علی بن ابیطالب (ع) که شبیه ترین بنده خدا از جهت خُلق و خُلق به رسول... (ص) یعنی امام حسن (ع)، بنای خصومت و معارضا را با او در میان گذاشت. او (معاویه) که برای رسیدن به اهدافش به هر رنگی در می آمد، با رسیدن منصب امامت به این بزرگوار به نص پیامبر و بیعت مردم، سراسیمه برای شکست و اضمحلال این شجره طویه دست به هر اقدامی زد. تا آنجا که آن معارضا به علت های مختلف سرانجام به صلح انجامید، و همین صلح در تاریخ اسلام مورد بررسی های زیادی قرار گرفته است. نظریه پردازان هر کدام به نحوی و از دیدگاه خاص خود، این مهم تاریخ چشم دوختند و اندیشه های زیادی را این مسئله به خود متوجه ساخت.

و ما نیز اینک در پی آنیم که انگیزه های این صلح بفرنج را بررسی کرده و از لابلای تاریخ جستجو کنیم؛ انگیزه ها و اندیشمندان چگونه به این مسئله نگریسته اند و این که به دیده یک محقق یا یک اندیشه صرف تاریخی چه پرسش هایی در پیش روی آنان ظهور کرده است و این که آیا این امام زنگنه به قرآن و سنت رسول الله (ص) عمل کرده یا به اتهام عده ای؛ راحت طلب و عافیت اندیشه رفته است؟

آیا قیام حسین (ع) و قعود حسن (ع) در استان و تکمیل خط رسالت محمدی (ص) بوده؟ و اینکه آیا صلح حسن (ع) زمینه را برای تمام تاریخ ساز و حماسه آفرین عاشورا فراهم کرد؟ آیا نتایج و آثار مترتب بر این صلح روستای بنی امیه و اضمحلال این خاندان پلید را در پی داشت یا این که آنان را در عمل خود جرئ تر کرد؟ و آیا چنان چه امام صلح نمی کرد کوشش های رسول گرامی (ص) به ثمر می رسید یا این که آئین سفیانی جای آن را می گرفت؟

اینها و هزاران سؤال دیگر در پیش روی این حادثه تاریخی قرار دارد که بررسی انگیزه های صلح می تواند ما را در جوابگویی به پرسش های مذکور راهنما باشد. در بیان این تاریخ پرماجرا و پاسخ به پرسش های فوق الذکر مشکلات عدیده ای در اندیشه هر محقق در انتخاب راه صواب و ناصواب بروز می کند که تصمیم گیری و تفکیک بین آنها مشکل می نماید.

و نکته این که این عمل، نوشتن یک زندگینامه پیرامون شخصیت امام دوم (ع) نیست که بر اساس نقل‌های مختلف بتوان آن را روی کاغذ آورد، بلکه این پرداختن به نظریه‌های افراد با اندیشه‌های سیاسی و مذهبی متفاوتی است که هر یک، دارای ظری مغایر با دیگری می‌باشند. این است که دشواری این بررسی به وضوح آشکار می‌گردد.

و چنان چه به یک بررسی اجمالی تاریخ ائمه بپردازیم، خواهیم دید که این بزرگواران ر طی دو قرن و اندی از حضور عینی در صحنه جامعه اسلامی سیره‌های به ظاهر متفاوتی را دنبال می‌کرده‌اند البته آن هم قابل بررسی و تأمل فراوان است، چرا که این بزرگواران، غرض از رهبرانی منصوب گردیده بودند که به قول آن نصب‌کننده واقعی خدای تعالی «لعلک باخلف نفسك».

بدون تردید خط بامت نیز که دنباله خط رسالت بود چنین مسئولیتی را به عهده داشته و این چنین احساس رضایه می‌کرده و غم امت را بیش از خود امت خورده و در معاش همت می‌گماشته است چرا که امام کلید فهم قرآن و سنت، هدایت و ضلالت ده و در شریعت شیعه نیز، امام تنها و سرور است و خدا با آن رشته آسمانی و الهی می‌باشد.

در این مبحث است که موضع امام دوم نیز قابل توجیه است و می‌توان گفت آن چه در زمان او واقع شد چیزی جز انعکاس وضع مردمی که امام بر آنان حکومت می‌کرده، بود. و آنان که بر امر صلح اشتباهی را مترتب دانسته‌اند، به نظر ما نیز جز غفلت از مل مأموریت آنان [ائمه (ع)] دامن گیرشان نشده است و صحه بر آن وجود آمده در آن زمان صحنه‌ای تازه و خلق الساعه نبوده بلکه هر کدام از این دو چهره نمایند و جانشینان خُلق و خوی و صفت خاص بوده‌اند.

آری خُلق حسن (ع) همان گونه که در ابتدا آمد خوی و سنت یا خُلق حمد (ص) و علی (ع) و فاطمه (س) و ابراهیم (ع) و ... و خلق معاویه خوی ابوسفیان و ... یا بهتر بگوییم خوی قابیل و نمرود و فرعون و ... در اینجا مناسبت است که از کلام هر بار علی (ع) در نهج البلاغه برای معرفی این دو چهره استعانت بگیریم که می‌فرماید:

فَفَرَّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَمْس، إِنَّا أَمْنَا وَكَفَرْتُمْ. الْيَوْمَ إِنَّا إِسْتَقَمْنَا وَفَتِنْتُمْ.^۱



در گذشته از هم جدا شدیم، زیرا ما ایمان آوردیم و شما به کفر خود باقی ماندید.
امروز هم ما به راه راست می‌رویم و شما پیرامون فتنه می‌گردید.
و در کلامی دیگر می‌فرماید:

فَقَدْ سَلَكْتَ مَدَارِجَ إِسْلَافِكَ بِإِذْعَانِكَ الْإِبَاطِيلِ. 'تو (معاویه) با ادعاهای باطل همان
راه نیاکان خود را می‌پیمایی.

با این کلام به خوبی روشن می‌گردد که امام حسن (ع) در برابر چه چهره‌ای از تاریخ
صف‌آرایی کرده بود. و معاویه نیز قصدی جز قصد نیاکان خویش که همانا سرکوب
اسلام ناب محمدی (ص) بود، نداشته و نمی‌توانسته داشته باشد. چون معاویه از همان
سجده به قدرت رسیده و در راه اسلاف خود نیز گام بر می‌داشت و چهره صلح با شناخت
دو جریان فاسق و آشکارتر می‌گردد.

اینجا است که بررسی انگیزه صلح بدون شناخت این دو جبهه و دو چهره میسر
و ناممکن می‌شود و ما با توجه به حقایق تاریخی بیان شده، توسط نظریه پردازان
مختلف و انگیزه‌های آنها و نقش فهم‌شان از اندیشه والای آن امام بزرگوار (ع) قصد
بررسی این مهم را داریم. باشد که خدای مهربان ما را به نظر صواب رهنمون دارد تا
توانسته باشیم از این چشمه زلال حیات فهم بهتر و هدایت روشن‌تر بهره‌برداری کنیم.
در این بررسی کوتاه، در نظر است ابتدا شرایط قبل از امامت امام بزرگوار (ع) را به
طور اختصار مورد تفحص قرار داده و سپس انگیزه‌های صلح را در حد بضاعت خویش
یک بررسی اجمالی نموده و در پایان نیز آثار و تربیت صلح را از زبان امام و محققین
تاریخ نیز یک خلاصه بررسی داشته باشیم.

امید است مورد رضای حضرت حق تعالی و در جهت نشر تاریخ اسلامی قدمی
برداشته باشیم.

و ما توفیقی الا بالله

تیمور امین ناصری